

<p><b>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز:</b> سازمان صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی</p>						
<p><b>حديث روز:</b></p> <p>امام باقر(ع)؛ مبادا فرصت‌های به‌دست‌آمده را از دست بدهی که در این میدان آن که وقت را ضایع کند، زیان می‌بیند.</p>		<p><b>تحف العقول</b></p>				
<p><b>واحه:</b></p> <p>ترسم از تنهایی احوالم به رسوایی کشد ترس تنهاییست ورنه بیم رسوایم نیست</p> <p><b>سعدی</b></p>						
<p>چهارشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۰   ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۳   ۲۰ صفحه   سال بیست و دوم - شماره ۶۹۹   Wednesday - November 3 , 2021</p>						
<p><b>امروز در تاریخ:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدير، شماره ۱۲۹</li> <li>تلفن: ۰۲۱-۳۳۰۴۰۰۰   دوزگار تحریریه: ۳۳۰۴۴۳۳</li> <li>سازمان توزیع: ۰۶۱۹۳۳۱۵   کد پستی: ۱۹۱۹۱۸۱۴۳</li> <li>امور مشترکین: ۰۶۱۹۳۳۱۵   سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۵۰۰۰</li> <li>شماره پیامک: ۰۳۰۰۱۱۲۴۰   تلفن گویا: ۳۳۰۴۴۴۴</li> <li>چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم</li> </ul>		<p><b>شايف: ۰۰۳۶۳۷-ISSN ۰۰۳۶۳۷</b></p> <p><b>پايگاه اطلاع رسانی:</b> <a href="http://www.jamejamonline.ir">www.jamejamonline.ir</a> <a href="http://www.jamejamdaily.ir">www.jamejamdaily.ir</a></p> <p><b>پست الکترونیکی:</b> <a href="mailto:info@jamejamdaily.ir">info@jamejamdaily.ir</a></p>				
<p><b>حکمت ۳۵:</b></p> <p>❌ کسی در انجام کاری که مردم خوش ندارند، شتاب نکند، درباره او چیزی خواهند گفت که از آن اطلاعی ندارند.</p>						
<p><b>اوقات شرعی:</b></p> <p>انذان ظهر: ۱۷/۴۸   غروب آفتاب: ۱۷/۷</p> <p>اذان مغرب: ۱۷/۴۶   نیمه شب شرعی: ۲۳/۵</p> <p>اذان صبح (فرجا): ۵/۴۶   طلوع خورشید (فرجا): ۶/۲۹</p>						
<p><b>وضعیت آب و هوای امروز</b></p> <p>تهران: ☀️ ۲۴ / ۱۳</p> <p>اهواز: ☀️ ۳۵ / ۱۸</p> <p>اردبیل: ⚡️ ۱۹ / ۷</p> <p>بندرعباس: ☁️ ۳۴ / ۲۲</p> <p>زاهدان: ☀️ ۲۶ / ۸</p> <p>زنجان: ⚡️ ۱۷ / ۷</p> <p>کرمانشاه: ☀️ ۱۶ / ۸</p> <p>قم: ☁️ ۲۸ / ۱۴</p>						

**شب یلدا در اروپا**

اگر بشنوید عده‌ای در آمریکای جنوبی که اتفاقاً دین‌شان هم اسلام نیست و از مذهب شیعه هم چیزی شنیده‌اند، عید غدیر را جشن گرفته‌اند، واکنش‌تان چیست؟ حالا شاید با خودتان بگویید لابد با این‌که مسلمان و شیعه نیستند اما ارادتی به امیرالمؤمنین امام‌علی(ع) دارند و همین باعث شده روز عید غدیر را جشن بگیرند و مثل شیعیان آذین ببندند و به همدیگر عیدی بدهند. اما اگر در ادامه به شما بگویند آنهايي که این روز را به گرمی جشن گرفته‌اند، خیلی‌های‌شان حتی چیزی از امام‌علی (ع) شنیده‌اند چطور؟ آن‌وقت واکنش‌تان چیست؟ اگر بخواهید خیلی محترمانه رفتار کنید و پیش خودتان بگویید مسخره کردن دیگران هرچند اهل آمریکای جنوبی باشند، کار درستی نیست و به‌هرحال آنها برای خودشان دلیلی دارند، آن‌وقت باید ته تو می‌مغزتان دنبال یک دلیل منطقی بگردید که چرا مردمی در هزاران کیلومتر آن‌طرف‌تر که نه مسلمانند و نه چیزی از اصل یک مراسم مذهبی شنیده‌اند، دارند عید غدیر را جشن می‌گیرند؟

نمی‌دانم اگر به مسیحیان اروپا بگوییم عده زیادی از مردم در ایران روز کریسمس را به هم تبریک می‌گویند و به هر فرهنگ‌گانه‌ای که بروی، درخت کریسمس هست و آذین‌های کریسمس را می‌بینی، واکنش‌شان چیست اما این مسئله به‌قدر همان مساله‌ای که اول مطرح شد، تعجب‌آور است.

شاید بتوان گرامی‌داشت کریسمس را نوعی احترام به مردم مسیحی ایران دانست اما اگر این روزها گذرزان به فروشگاه‌ها، رستوران‌ها یا کافه‌های بالای شهر خورده باشد حتماً به این فکر کرده‌اید که، حالا این کدوها را کجای می‌دانم بکناریم؟

حالا بگویم هم یکی دیگر از مراسمی است که در فرهنگ غربی برگزار می‌شود و مردم آن فرهنگ‌ها آن را با آداب و رسوم خاص خودش به‌جا می‌آورند اما مثل دیگر مراسم غربی در کشورمان به‌عنوان نمایش برای رسیدن به مدرنیته اجرا می‌شود. بعضی مردم که غرب را مصداق مدرنیته و یک‌قدم بعد دنیا می‌بینند، دوست دارند لباس کسانی را بپوشند که فکر می‌کنند خوشبخت‌ترین آدم‌های روی زمین هستند. البته هم هنوز نمی‌دانم در اروپا کسی شب یلدا را جشن می‌گیرد یا نه؟

گفت وگو با غفور شیخی؛ جامعه‌شناس درباره فرهنگ عمومی

# شکندگی فرهنگی را جدی بگیریم

طاہرہ آشیانی

روزنامه‌نگار

حتماً برای شما هم پیش آمده؛ شب در حال رانندگی هستید و خسته به سمت خانه می‌روید و در خیابان یک موتوری با نور بالا خلاف شما حرکت می‌کند و نور چراغش مستقیم چشمان شما را نشان گرفته؛ جایی را نمی‌بینید و احتمال بروز اتفاق آن‌هم از نوع خطرناک وجود دارد اما موتور سوار بی‌خیال خلاقی که انجام می‌دهد و بی‌تفاوت به چشمان شما که برای لحظاتی کور شده و اتفاقاتی که شاید مسیب آن باشد به راهش ادامه می‌دهد و اگر بتواند دستی پرشتاب و از روی غیظ هم به آینه بغل ماشین شما یا آن دیگری می‌زند که آن را هم از آب دهان در بیاورد و حسایی دلش خنک شود. همین حرکت به ظاهر کم‌اهمیت که زیاد هم شده، بخشی از «فرهنگ عمومی» جامعه را شکل می‌دهد و نشان از آن دارد که این فرهنگ به‌شدت شکننده شده. البته در کنار این رفتار که نوعی ناهنجاری اجتماعی است، می‌توان به پرتاب زباله از داخل خودرو به بیرون، انداختن ته سیگار و آب دهان در پیاده‌رو و خیابان، استفاده خودروه‌های شخصی از خط مخصوص عبور اتوبوس همگانی یا استفاده موتورسواران از خط ویژه دوچرخه هم اشاره کرد که وضعیت اسفباری در جامعه ما دارند. آ‌آ‌آ‌ان به‌نام فرهنگ عمومی نام‌گذاری شده و برای شناخت این روز و موضوعیت فرهنگ عمومی و این که بدانیم الان چند چندیم با غفور شیخی، جامعه‌شناس هم‌صحبت شدم.

**فرهنگ عمومی مانند سیستم عامل**

شیخی درباره اهمیت فرهنگ عمومی و این که شاخص مهمی در توسعه کشور است، می‌گوید: فرهنگ عمومی موتور محرکه جامعه است. اگر کشور را یک رایانه بزرگ در نظر بگیریم، فرهنگ عمومی مانند سیستم عامل و ویندوز آن عمل می‌کند که هر قدر زیر ساخت این رایانه قوی‌تر باشد، سیستم عامل آن هم کارآمدتر و به روتزر خواهد بود. برای نشان دادن توسعه یک کشور نوک پیکان دقیقاً به سمت فرهنگ عمومی نشانه می‌رود. هر قدر فرهنگ عمومی با کیفیت‌تر، گسترده‌تر و عمیق‌تر باشد، توسعه در آن کشور پایدارتر است و هر قدر این پایدار بیشتر باشد، موفقیت کشور در زمینه‌های مختلف باثبات‌تر است. کشورهایی که پیشرفت چندانی در زمینه‌های مختلف ندارند، دارای

وظایف مهمی دارد. این وظیفه کوتاه‌مدت یا مقطعی نیست و باید به صورت مداوم پالایش و به روز شده و مراقبت ویژه‌ای از آن صورت گیرد. دولت باید بودجه کلانی را به آن اختصاص دهد و آنها را در زیرشاخه‌های معینی هزینه کند. مثلاً آموزش‌های قبل از ازدواج و قبل از فرزندآوری وظیفه دولت است. اگر این آموزش‌ها به‌درستی انجام شود، افراد به حقوق خود و دیگری آشنا می‌شوند و در این شرایط فرد و خانواده او موفق‌تر و باثبات‌تر خواهند بود. فرد موفق حتماً در موفقیت جامعه تأثیرگذار است و شهروند مؤثری برای شهر و کشورش خواهد بود. این زنجیره همچنان ادامه خواهد داشت و زیرشاخه‌های زیادی را ایجاد می‌کند. این داد و ستد بین فرد، خانواده و جامعه اگر شکل درستی داشته باشد، نشان دهنده رشد فرهنگ عمومی به سمت مثبت و توسعه پایدار است.

**جوانان نوگرا از خودشان شروع می‌کنند**

وقتی افراد جامعه به‌خصوص جوان‌ها از برنامه‌ریزی دولت ناامید می‌شوند، خودشان دست به کار شده و تلاش می‌کنند، فرهنگ عمومی را ارتقا بخشد اما نه در وسعت زیاد. آنها اول از خودشان شروع می‌کنند بعد به خانواده و سپس به دوستان‌شان می‌پردازند. این اتفاق در جامعه ما در حال رخ دادن است. سه، چهار دهه قبل این تغییر و عمق بخشیدن فرهنگ وسیع بود و فرد، کل جامعه را در نظر می‌گرفت اما الان محدود شده و خانواده و گروه دوستان را در بر می‌گیرد. این حرکت شاید به ظاهر مؤثر نباشد اما من خوشبینم و می‌گویم حرکت‌های هرچند کوچک به مرور سبب اتفاقات بزرگ می‌شود. حرکت‌های فردی، لایه‌های سطحی فرهنگ را درگرو می‌کنند که باز هم غنیمت است. این حرکت‌ها را جوانان خلاق و نوگرا پایه‌گذاری می‌کنند که اتفاقاً رشد جامعه را کلید زده و قوانین و سنت‌های دست و پاگیر و تاریخ مصرف‌گذشته در همه زمینه‌ها را هم تغییر می‌دهند. همین‌ها هستند که می‌توانند عمق شکنندگی فرهنگی را کم کرده و بخشی از آن را جبران کنند.

**برنامه‌ریزی دولت مهم است**

به شیخی می‌گویم، افراد جامعه ما به‌خصوص جوانان تحصیلکرده و دانشگاهی هستند. اگر میزان تحصیلات را یکی از شاخصه‌های مثبت فرهنگ عمومی بدانیم پس چرا برخی از همین افراد در شهرها و در روابط اجتماعی دچار رفتارهای خودخواهانه می‌شوند و حقوق دیگر شهروندان را رعایت نمی‌کنند؟ می‌گوید: فرهنگ عمومی مانند عضوی زنده سیال و فعال است. نمی‌توان گفت در آ‌آ‌آ‌ا ما در نقطه «ا» هستیم و در آ‌آ‌ا ۱۴۰۰ می‌خواهیم به نقطه «ب» برسیم. این حرکت کاملاً باید حساب‌شده باشد و همه چیز رصد شده، نقاط ضعف برطرف و نقاط قوت تقویت و پایدار شود. با حرف نمی‌توان فرهنگ عمومی را ارتقا داد. فرهنگ که رها شود، سرمایه اجتماعی نزولی شده و نتیجه می‌شود همین چیزی که شما به آن اشاره کردید. این ناهنجاری‌ها زمانی رشد می‌کنند که اُقت‌ها کنترل نمی‌شوند و رشد می‌کنند. وقتی فرد در جامعه احساس ناکامی کرده و مدام در معرض این است که مسؤولان وظایف خود را به‌درستی انجام ندادند و به او که شهروند کشور است دروغ می‌گویند، دست به تخلیه عقده خود می‌زند. این رفتاری است که در همه جانداران به‌صورت غریزی دیده می‌شود، آنها زمانی که در کنار هم زندگی می‌کنند اما دچار آسیب شده و مثلاً گرسنه و تشنه می‌مانند یا دمای محیط سرد یا گرم می‌شود برای تخلیه عصبیت و هیجان به یکدیگر حمله می‌کنند. این نوع بشر هم دیده می‌شود. این رفتارها را می‌توان نماد و شاخصه‌ای از فرهنگ عمومی دانست که ربط مستقیم با سرمایه اجتماعی دارد و رنگ و بوی شدیدی است برای آن دست رفتن سرمایه اجتماعی و به‌تبع آن رشد منفی فرهنگ عمومی. شکنندگی فرهنگی درست در همین زمان‌ها شکل می‌گیرد و اگر پایش نشده و اگر دولت و حاکمیت برای آن برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، بلندمدت و اورژانسی انجام ندهد، جامعه دچار بحران می‌شود. یعنی در این مورد همه چیز به دولت و برنامه‌ریزی او بستگی دارد.

یکی از کارکنان مهم فرهنگ عمومی رانیت حقوقی شهروندی است / عکس: آپسنا

کافه میرداماد

وقتی افراد جامعه به‌خصوص جوان‌ها از برنامه‌ریزی دولت ناامید می‌شوند، خودشان دست به کار شده و تلاش می‌کنند، فرهنگ عمومی را ارتقا بخشد اما نه در وسعت زیاد.

کافه میرداماد

مقطع سیاسی کنونی

مقام پایه‌بلند و دخترک سیاست‌شناس

یکی از مقامات سیاسی پایه‌بلند یوگسلاوی سابق پس اززنشستگی تصمیم گرفت حال که فراغت کافی در اختیار دارد به دوستان قدیمش سرزند و احوالات آنان را جویا شود. وی فرستی از دوستان قدیمی‌اش از دوستان دوران دانشگاه تا دوستان دوران شروع فعالیت سیاسی خود تهیه کرد تا یک‌روز درمیان به آنها سر بزند. مقام پایه‌بلند در چندمین دیدار به دیدن یکی از دوستان دوران تحصیلش رفت که مانند وی در رشته علوم سیاسی تحصیل کرده بود اما برخلاف وی درس‌هایش را به‌خوبی خوانده و به استادی دانشگاه بلغراد رسیده بود. دو دوست پس از دیدار و گفت‌وگو و زندگن‌در خاطرات گذشت و صرف ناهار، در بالکن در کنار هم نشستند و مشغول صرف چای و بیسکویت عصرگاهی بودند که نوه کوچک استاد دانشگاه نزد پدربرگش رفت و به وی سلام کرد. پدربرگز وی را در آغوش گرفت و به مقام پایه‌بلند معرفی کرد. مقام پایه‌بلند دستی به سر دخترک کشید و از وی پرسید: کلاس چندی عموجون؟ دخترک گفت: اسمال به مدرسه رفته‌ام و کلاس‌اول هستم. مقام پایه‌بلند گفت: بگو ببینم وقتی بزرگ‌شدی می‌خواهی چه‌کاره شوی؟ دخترک گفت: می‌خواهم یک مقام سیاسی پایه‌بلند و در ادامه رئیس‌جمهور شوم. مقام سیاسی پایه‌بلند گفت: اگر رئیس‌جمهور شوی اولین کاری که انجام می‌دهی چیست؟ دخترک گفت: به بچه‌های فقیر و گرسنه و بی‌خانمان کمک می‌کنم. مقام پایه‌بلند گفت: چرا می‌خواهی منتظر بمانی که رئیس‌جمهور شوی و این کار را بکنی؟ از فردا به خانه ما بیا و چمن‌های حیاط را کوتاه و درخت‌ها را هرس و پارکینگ را تمیز کن. در ازای این کار من به تو «۵۰دینار یوگسلاوی می‌دهم و تو می‌توانی به جاهایی که بچه‌های فقیر و گرسنه و بی‌خانمان هستند بروی و این پول را به آنها بدهی. دخترک چند لحظه به مقام سیاسی پایه‌بلند نگاه کرد و گفت: شما چرا همان بچه‌های فقیر را به خانه‌تان نمی‌برید تا این کار را انجام بدهند و ممان پول را به خودشان بدهید؟ مقام پایه‌بلند چند دقیقه به دخترک نگاه کرد و سپس گفت: به دنیا سیاست خوش‌آمدی. گفتی است این دخترک کسی نبود جز ماتیا نیکولاویچ که گرچه زن خانه‌دار بود و هیچ‌گاه وارد سیاست نشد اما همواره حرف‌های فشنگی می‌زد.

مقام پایه‌بلند و دخترک سیاست‌شناس

یکی از مقامات سیاسی پایه‌بلند یوگسلاوی سابق پس اززنشستگی تصمیم گرفت حال که فراغت کافی در اختیار دارد به دوستان قدیمش سرزند و احوالات آنان را جویا شود. وی فرستی از دوستان قدیمی‌اش از دوستان